

اطلاعات کتابداری در تذکره نگارستان دارا*

(متنی از آغاز قرن سیزدهم هجری قمری)

احمد شعبانی (اصفهان)

مقدمه

در سالهای پایانی عصر زندیه که منتهی به آغاز سلطنت قاجاریه شد، چند متن ادبی و تاریخی مفید از مورّخین این دوره باقی مانده است که به مطالعه شرایط اجتماعی و مسائل فرهنگی آن روزگار و شرح حال مؤلفین، کاتبان و اصنافی از این دست کمک شایسته‌ای می‌کند. در این باب می‌توان تذکره نگارستان دارا از عبدالرزاق بیگ دنبلی را نام برد که در آن به احوال گروهی از ناظران گفتار این عصر پرداخته و از متون شایسته و قابل استنادی است که برخوردار از اطلاعات سودمندی از اوضاع نامه‌نگاران و شیوع کتابت و کتابخوانی این دوره محسوب می‌شود.

شرحی بر زندگی عبدالرزاق دنبلی

آنچه از برای اطلاع خواننده به‌طور اجمال در باب زندگی عبدالرزاق بیگ

* پژوهشهای ایرانشناسی (نامواره دکتر محمود افشار) به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریا گشت. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. ج ۱۷. ص ۵۰۷-۵۱۴.

دنبلی حائز اهمیت است، اینکه در تاریخ ۱۱۷۶ ه. ق. در شهر خوی تولد یافت، پدرش بیگلربیگی تبریز و مضافات بود و فرزند را به عنوان گروگان و رهن از سنه ۱۱۸۶ ه. ق. به نزد کریم‌خان زند روانه می‌کند. چون علی‌مرادخان زند لشکر بر سر صادق برادر کریم‌خان می‌کشید و شیراز را پس از نه ماه تسخیر کرد، وی را از شیراز به اصفهان و در ربیع‌الاول سال ۱۱۹۹ ه. ق. به آذربایجان اعزام می‌کند. او در حیات خویش از مشاغل دنیوی استعفا می‌کند و در نهایت استغنا به اکتساب علوم و مجالست دانشمندان عشق می‌ورزد.^(۱) در تاریخ ادبی و سیاسی این دوره صاحب چند اثر معروف بوده که از جمله در بین اعیان این صنف تجربه الاحرار و تسلیة الابرار شهرتی فراگیر دارد. عبدالرزاق بیگ در تاریخ ۱۲۴۱ ه. ق. به مکه معظمه تشرّف حاصل نمود و در ۱۲۴۳ ه. ق. در تبریز وفات یافت^(۲)

اهمیت نگارستان دارا

نگارستان دارا تذکره‌ای است از احوال شعرای دوره فتحعلی‌شاه و منتخبات اشعار آنان که در سال ۱۲۴۱ ه. ق. به رشته تحریر درآمده است. هرچند عبدالرزاق در دیوان دولتی اشتغالی نداشته، لیکن صاحب زندگی شخصی متلاطمی بوده و بلاد شیراز و اصفهان را که از موطن وی تا آذربایجان فاصله داشته، به‌خوبی دیده و با سکنه این ولایات آشنایی داشته است. بنابراین اثرش به گزارش احوال صاحبان تراجم محیط آذربایجان محدود نمی‌شود، بلکه ابواب مختلفی را از اماکن کشور در بر می‌گیرد.

نکته دیگر اینکه در نگارستان دارا چرخش قلم عبدالرزاق بیگ از حوزه ادبی، به نکات اجتماعی در زندگی و احوال ناظران گفتار است. بر این قرار

نکات ارزنده و حائز اهمیتی در موضوعات گوناگون، چونان اشتغال، حالات طبقاتی و ارتباطات اجتماعی این افراد به رشته قلم آمده است، که مجموعه‌ای از آن بازتاب روند فرهنگی و اجتماعی آغاز قرن سیزدهم هجری قمری را به دیده تصویر می‌آورد.

احوال اجتماعی کاتبان و کتابداران

آنچه از بررسی اوضاع اجتماعی کاتبین و کتابداران عصر زندیه و اوایل دوره قاجار روشن می‌شود، جایگاه متنوع طبقاتی این دسته از مردان فرهنگی است. در باب اقشار والای این گروه ابوالقاسم بن محمد عیسی الفراهانی جای دارد که اقدامات اصلاحی وی در باب دگرگونی و اصلاح، در رسم کتابت این دوره موجب دگرگونی و تغییرات قابل توجهی در سیستم اداری در نیمه اول قرن سیزدهم شده است، چنانچه این تحول موجب گردید تا دستورالعملی را جهت منشیان خاص به رشته تحریر درآورده، و به قانون العمل مسمی کند. همچنین از آن جمله که عبدالرزاق بیگ بیان داشته: «هر منشور که وقتی نگاشته بود هر وقت ضرورتی می‌شد سواد آن را از دفتر حافظه می‌خواند و یک حرف با نسخه اصل مخالف نمی‌بود.»^(۳) آشکار می‌شود که دقت عمل برای کتاب در دربار و خواص پادشاه تا چه حد اهمیت داشته است.

در مجموع اینکه، درجات ابوالقاسم بن محمد عیسی روز به روز اوج گرفت، به نحوی که در سال ۱۲۳۷ ه. ق. پس از وفات پدر در تبریز به وزارت عباس میرزا منصوب شد، و در سال ۱۲۵۰ ه. ق. وسایل حرکت محمد میرزا و جلوس او را به تخت سلطنت فراهم آورد.

از همین صنف و در مایه‌هایی نازل تر سخنی از عشرت رفته که از اقوام

نزدیک قائم مقام فراهانی است که در سمت ملک‌الملوک ملک‌الکتاب بوده، که نشان از نفوذ خانواده قائم مقام در دستگاه دولتی آن دوره است.^(۴) آنچه از اقشار کاتب و اهمیت آنها برای عامه آشکار می‌شود اقبالی است که نجبا و صاحبان ثروت از این اشتغال برای فرزندان از خود نشان می‌دادند، به نحوی که یوسف بیگ متخلص به عزیز از نجبای لاهیجان و در بارگاه پادشاه سمت کتابخوانی داشته است.

دسته سوم از منشیان و کُتاب افرادی بودند که با کاغذ و قلم محشور بوده و از حاصل دسترنج کتابت، معیشت خود را گذرانیده و در حقیقت به استقلال و وارستگی دنیوی روزگار را به سر می‌آوردند.

از این گروه است وصال، صفایی، و نظیر که عبدالرزاق بیگ شرحی از احوال آنها را به گزارش می‌آورد.

در نهایت اینکه، از این صنف افرادی چونان اختر از جمله افراد قلیل البضاعة تصور می‌شود که در عسرت زندگی را وداع گفته است، بر این قرار مشخص می‌شود که حالات اجتماعی کاتبین چونان امروز از تنوع چشمگیری برخوردار بوده است.

اطلاعاتی چند از گزارش‌های عبدالرزاق بیگ در باب مسائل کتاب

از بیان قلم و سخن عبدالرزاق بیگ چند نکته جذاب حاصل می‌شود که کمک مفیدی به مسائل کتابداری می‌کند. این مباحث عبارت است از:

الف. کتابخوانی: از قرار در آن عصر، افرادی در دیوان و دربار پادشاه، وزرا و حاکمین در منصب کتابخوانی به سر برده که بر این امر روزگار می‌گذرانیده‌اند. آشکار نیست که کتابخوان در چه زمانی به امر مزبور مبادرت

کرده و چه موضوعاتی را ادا می‌کرد، لیکن نام دو تن از این افراد موسوم به ندیم و عزیز در تذکره مزبور درج است.

ب. سفارش کتابت: در آن دوره استنساخ سریع و نیکو در بین دوستداران کتاب مقامی ارجح داشته و بدقولی کاتبان موجب گله‌مندی بوده است. چنانچه در شرح احوال عشرت آمده است: «خدا نخواستہ اگر کسی را حاجت نوشتن کتابی به او می‌افتاد سالی دو به مراعات یگانگی دوبیتی فرستد و اگر وعده تسلیم و اتمام کتاب قیامت باشد هنوز نزدیک است.»^(۵)

ج. اهتمام دفترخانه مبارکه سلطان به تالیف کتاب: از شواهد موجود و نقل روایت احوال اختر مشخص می‌شود دیوانخانه و اداره کاتبان وابسته به پادشاه اهتمامی از برای تالیف آثار مؤلفین مبذول می‌داشت، چنانچه توقع محمد باقر نشاطی برادر اختر در توسل به دفترخانه مبارکه جهت اتمام کار برادرش در موضوع تذکره احوال معاصرین با ناکامی مواجه شده است.

در ارائه احوال کاتبان و کتابداران

به منظور ذکر احوال کاتبان و کتابداران از متن نگارستان دارا چاپ دکتر عبدالرسول خیامپور بهره‌جویی شد. این اثر که به نحو نفیسی در ۱۳۴۲ ه. ش. طبع شده، دیرزمانی است دور از دسترس پژوهشگران و محققین ادبی و تاریخی است. بر این مبنا به ترتیب ذکر احوال هر ناظم گفتار مندرج در کتاب، آن بخش از حیات صاحب ترجمه که به زمینه‌های کتابت، طبع اثر، اشتغال کتابداری و کتابخوانی مرتبط است، ارائه می‌شود. بر این قرار نه تن از شاعران و مترسلان آن دوره مشتمل بر ابوالقاسم بن محمد عیسی الفراهانی، امید، عشرت، عزیز، ندیم، اختر، صفایی، نظیر، و وصال را در بر دارد.

(۱)

ابوالقاسم بن محمد عیسی بن محمد حسن الفراهانی

در مناصب ارباب قلم از مشاقتی دفتر تا نیابت صدر اعظم هیچ مرتبه و مرحله‌ای نیست که سرتاسر آن را به اقدام اهتمام نپیموده باشد و غث و سمین و رث و جدید او را نیازموده. ابتدا که در دیوان خاقان مغفور تحریر و کتابت می‌آموخت سرعت ضبط و قوت حفظی داشت که هرچه یک‌بار در دفتر می‌نگاشت چنان در خاطر ثبت می‌کرد که بار دیگر بر همان ترتیب و توالی از بر می‌نوشت ... و هر منشور که وقتی نگاشته بود هر وقت ضرورتی می‌شد، سواد آن را از دفتر حافظه می‌خواند و یک حرف با نسخه اصل مخالف نمی‌بود.

... رسم تحویل و تحصیل که جز تحمیل رسوم و تعطیل مرسوم حاصلی دیگر برای رعیت و نوکر نداشت بکلی منسوخ ساخت، و در این باب اجتهادی نمود که تفاوت طبقات و اغلاق حساب و اغلاط کتاب معلوم گردد و آن کتاب

مشروح و مفصل را موسوم به قانون العمل نمود، و آن نسخه کتابچه ای چند است و الحال در میان است که هرچه و هر که باج گذارد و خراج بردارد یا بهره‌ور و ریزه خوار آید بالتمام نام به نام در ضمن آن مسطور است^(۶)

(۲)

امید

اسمش ابوالحسن خان از خاک نهند و در حسن اخلاق بی‌مانند. ندیم نواب شاهزاده محمود است و کتابدار آن جناب ... دیوانی ترتیب داده قریب چهار هزار بیت.^(۷)

(۳)

عشرت

اسم شریفش میرزا مهدی است. سید حسینی فراهانی و از اقوام نزدیک قائم مقام است، امروز در سرکار ملک‌الملوک ملک‌الکتاب. ... نواب محمود میرزا در سفینه خود مرقوم فرموده‌اند که من گواهی دهم که اگر تواند روزی دو هزار بیت کتابت کند به وجه احسن و خط مستحسن و پر بها، و اگر در نوشت دست نگاه دارد مانند درویش مجید نویسد. و گله از او داشته که مرقوم نموده‌اند که با وجود جلدنویسی مطیع قلمش جلدنویسان، خدا نخواسته اگر کسی را حاجت نوشتن کتابی به او می‌افتاد سالی دو به مراعات یگانگی دو بیتی فرستد و اگر وعده تسلیم و اتمام کتاب قیامت باشد هنوز نزدیک است و نوشته‌اند که من از تصنیفات خود کتابی به او فرمایش کردم؛ افسوس که وعده به قیامت هم نداد.^(۸)

(۳)

عزیز

اسمش یوسف‌بیگ از خطه لاهیجان رشت و یوسف مصر خوبرویی بوده و پدرش از نجباء آنجاست و در طفلی به زمرة غلام‌پیشخدمتان خاص اختصاص جسته ... و از حضرت شاهنشاه «عزیز» تخلص یافته و در بارگاه آسمان‌جاء آفتابه‌گردان و کتاب‌خوان آفتاب خسروان است.^(۹)

(۴)

ندیم

اسمش میرزا محمد، اجدادش از قزوین رفته در بارفروش مازندران توطن جسته، میرزای مشارالیه معروف به مازندرانی شده. در حضرت خلافت به خدمت کتابخوانی سرافراز بوده ... در اوایل این سال که هزار و دویست و چهل و یک باشد بدرود جهان نمود.^(۱۰)

(۵)

اختر

اسمش احمدبیگ، از جماعت ساکن لرستان و ملازم دربار سلیمان‌خان قاجار بود و از اولاد غلامان صفویه. در جوانی خدمت زندیه کرده بود ... از آنجا به اصفهان شتافت و به خیال جمع و تألیف تذکره معاصرین افتاد. در جمع اسامی سعی مبذول داشت، مهلت اتمام نیافت، برادرش محمد باقربیگ نشاطی به هوس اتمام کار برادرش نشاطی کرده، چون مردی قلیل‌البضاعه بود از عهده برنیامده متوسل به کتاب دفترخانه مبارکه شد تا در آن کارش یاری کنند؛ آن نیز دست

نداده نشاطی درگذشت و اوراق او به محمد فاضل خان راوی رسید و ظرف حنا و کاغذ توتیا گردید.^(۱۱)

(۶)

صفایی

اسمش ملاً محمد، از اهل اصفهان خلدبنیان است. در علم سیاق و موسیقی یگانه و خط نسخ را نیز پاکیزه می نویسد ... به دسترنج کتابت کسب معیشت کند و گاهی شعری می گوید.^(۱۲)

(۷)

نظیر

اسمش امان الله بیگ، از ایل زنگنه کرمانشاهان و شاگرد ملاحسین رفیق بود و در اصفهان به کتابت معیشت زندگانی خود می نمود. مردی قانع و از جهان وارسته و در سنه هزار و دویست و بیست و شش به مجمع روحانیان پیوست.^(۱۳)

(۸)

وصال

اصلش از خاک پاک شیراز و مرید ابوالقاسم عارف شیرازی ... خطوط را نیکو می نویسد، خصوصاً خط نسخ را، و از جمله اهل حال در زاویه قناعت به دسترنج کتابت معیشت خود می گذراند.^(۱۴)

یادداشت:

۱. عبدالرزاق بیگ دنبلی. تجربه الاحرار و تسلیة الابرار. به تصحیح حسن قاضی طباطبائی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۹. ص هشت.
۲. یحیی آرین پور. از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی). تهران: زوار، ۱۳۷۲. ج ۱، ص ۱۸۶.
۳. عبدالرزاق بیگ دنبلی. نگارستان دارا. به کوشش عبدالرسول خیامپور. تبریز: [شرکت چاپ کتاب آذربایجان]، ۱۳۴۲. ص ۴۷.
۴. همان، ص ۱۱۲.
۵. همان، ص ۱۱۲.
۶. همان، ص ۴۷ و ۵۳.
۷. همان، ص ۶۰.
۸. همان، ص ۱۱۲-۱۱۳.
۹. همان، ص ۱۱۸.
۱۰. همان، ص ۱۴۱.
۱۱. همان، ۱۶۸-۱۶۹.
۱۲. همان، ص ۲۲۲.
۱۳. همان، ص ۲۲۲.
۱۴. همان، ص ۲۶۹.